

ما، تو را یاری می‌کنیم!

معصومه سادات میرغنی

حیدر

ع

ش ۱۳۱

۱ آبان

شهادت آیت‌الله حاج سید مصطفی

خمینی رحمه الله

شاگرد آیت‌الله بروجردی، علامه طباطبائی، آیت‌الله داماد، شیخ مرتضی حائری، شهید صدوقی و... بود. خیلی زود به درجهٔ اجتهاد رسید. از سال ۴۱ که همراه پدرش علیه رژیم برخاست، شده بود خار چشم شاه!

او را بارها به زندان انداختند. به ترکیه و عراق تبعیدش کردند اما با صبوری، همسر و مادرش را دعوت به صبر نمود و به راه خویش ادامه داد. عاشق پدر بود و درس‌های او، تا آن‌جا که حتی در تبعید به نجف هم از درس و بحث جدا نشد. پدر نیز آن قدر شیفتهٔ پسرش بود که وقتی او به شهادت رسید، با آرامشی خاص در یادداشتی نوشت: «بسمه تعالی. انا لله و انا الیه راجعون. در روز یکشنبه نهم ذی‌القعدة الحرام مصطفی خمینی، نور بصرم، دار فانی را وداع گفت و به جوار رحمت حق تعالی رهسپار شد.

۴ آبان

اعتراض و افشاگری حضرت امام خمینی

علیه پذیرش کاپیتولاسیون

همه چیز زیر سرفصل هشتم قرارداد ننگین ترکمان جای بود: حق قضاوت کنسولی بیگانه در ایران، «رسیدگی به قتل و جنایات اتباع روس، تنها توسط بیگانگان به شرطی صورت می‌گیرد که جنایت اتباع روس ثابت شود. هیچ‌کس حق محاکمهٔ مجرمین روسی را ندارد؛ حتی اگر یکی از سگ‌های آن‌ها به مردم ایران حمله کرد. کسی حق محکوم کردن آن سگ را ندارد...» امام خمینی زیر بار ذلت و ننگ نرفت. سخنرانی‌ها کرد و مردم را از این خطر بزرگ آگاه نمود.

۷ تا ۱۳ آبان

هفته کتاب و کتاب‌خوانی

امام صادق علیه السلام: «روزگار پر آشوبی فرا می‌رسد که در آن روز، مردم جز با کتاب‌های خود انس نمی‌گیرند.»

۸ آبان

شهادت محمدحسین فهمیده، روز نوجوان،

روز بسیج دانش آموزی

نوجوان بود و بسیج را فهمیده بود. نوجوان بود و عشق را فهمیده بود؛ ایثار را فهمیده بود؛ دفاع را فهمیده بود؛ ولایت را فهمیده بود.

فهمیده بود که دیگر برای دفاع از کشورش کوچک نیست. فهمیده بود که سن شناسنامه‌ای برای آدم‌ها یکی نیست و برای او سیزده سال نبود! شناسنامه، وسیله بود. اما قلب فهمیده، سرشار از ایمان و حضور بود. فهمیده کاری کرد که امام خمینی رحمه الله، او را «رهبر» خواند.

وقتی رهبر انقلاب، یک نوجوان را رهبر بخواند، باید فهمیده را فهمید تا چون او شده و قلب و روح‌مان فهمیده گردد.

۱۳ آبان

تسخیر لانهٔ جاسوسی، روز ملی مبارزه با

استکبار جهانی، روز دانش‌آموز

«... همهٔ گرفتاری که ما داریم، از دست آمریکا داریم...» بر دانش آموزان، دانشجویان و محصلین علوم دینی است که با قدرت تمام، حملات خود را علیه آمریکا و اسرائیل گسترش داده و آمریکا را وادار به استرداد این شاه مخلوع جنایتکار نمایند و این توطئهٔ بزرگ را بار دیگر شدیداً محکوم کنند.»

دانشجویان دانشگاه تهران، پلی‌تکنیک، صنعتی شریف، شهید بهشتی و... به پیام امام خمینی رحمه الله لبیک گفتند و تا به تصرف درآوردن لانهٔ جاسوسی آمریکا، روی حرف خود ایستادند.

۱۶ آبان (۳۰ ذی‌القعدة)

شهادت حضرت امام محمدتقی علیه السلام

دیده‌ای تا اسم امام جواد علیه السلام می‌آید، اشک در چشم‌ها جمع می‌شود؟! دیدی وقتی دلت هواش را می‌کند، صدایش می‌کنی و آرام می‌شوی؟

دیده‌ای خیلی‌ها که به زیارت امام رضا علیه السلام می‌روند، هق‌هق گریه‌شان به آسمان می‌رسد و امام غریب را به جوادش قسم می‌دهند؟ امام جواد علیه السلام می‌فرماید:

«اعتماد به خدا، بهای هر چیز گران بها است و نردبانی به سوی هر بلندایی... به دل، آهنگ خدا داشتن، برتر است تا خسته کردن جوارح به عبادت... مؤمن به توفیق از جانب خدا، پند دهنده‌ای از درون خویش و پذیرش خیرخواهی آن که خیرخواه اوست، نیازمند است.»

۲۲ آبان

شهادت مظلومانهٔ زائران خانهٔ خدا به دستور

آمریکا و به دست مأموران آل سعود

صدای شلیک گلوله بلند شد. دود همه جا را فراگرفت. گاز اشک‌آور در هوا پخش بود. رد خون از لباس‌های سفید زائران تا روی زمین ادامه داشت. روی زمین پر بود از آدم‌هایی که برای زیارت خانهٔ خدا آمده بودند. کفش‌ها، قمقه‌ها، کیف، کتاب‌های دعا و قرآن کنار سفیدپوشان افتاده بود. کسی گفت: یاد شام غریبان افتادم. اما این‌ها از عمرسعد هم بدترند. عمرسعد به سربازانش گفته بود که به زنان کاری نداشته باشند، اما این‌ها...» بغض راه گلویش را بست. صدای نالهٔ زن‌ها به آسمان رفت. دختری بی‌حرکت، کنار مادر زخمی‌اش روی زمین افتاده بود. پسری زخمی نگاهش به پدر شهیدش بود. «اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذلک»

۲۳ آبان (۷ ذی‌الحجه)

شهادت امام محمدباقر علیه السلام

همه انسان‌ها دل‌شان می‌خواهد، موفق باشند. همه دوست دارند کارهایشان را با شور و نشاط انجام دهند و به هدف خود برسند. گاهی اوقات خیلی به این در و آن در می‌زنیم ولی موفق نمی‌شویم، به هدف خود نمی‌رسیم. دلسرد می‌شویم، بی‌وصلگی و کسالت به سراغ‌مان می‌آید و روی تک‌تک رفتار و افکارمان تأثیر می‌گذارد. شکست می‌خوریم چون به خدا توکل نداریم و امیدمان به دیگران است.

امام باقر علیه السلام همیشه موفق بود و پر امید. ایشان می‌فرماید: «آن که به خدا توکل کند، مغلوب نشود و آن که به خدا توکل جوید، شکست نخورد!»

۲۵ آبان

روز بزرگداشت علامه جعفری

هنوز دخترش را به خاک نسپرده بودند که به ساعتش نگاه کرد. از جمعیت خداحافظی کرد و به دانشگاه رفت. سالن پر از جمعیت بود و همه منتظر نشسته بودند: شاگردان، دانشمندان، دانشجویان و محققین آمده بودند تا سخنرانی‌اش را بشنوند. کسی گفت: «امروز قرار است دختر استاد را به خاک بسپارند.» دیگری گفت: «پس حتماً امروز او برای سخنرانی نمی‌آید.» سومی ادامه داد: «اما استاد هیچ وقت برای لحظه‌ای هم بد قولی نکرده.» استاد وارد سالن شد و جمعیت از جا برخاست. استاد مثل همیشه سر حال بود و طوری سخنرانی کرد، انگار که هیچ حادثه‌ای اتفاق نیفتاده است. جمعیت محو رفتار و گفتار او شدند. صدای رسایش در سالن پیچید: «... اگر اندیشه نباشد، انسان مثل یک شیپور یا دستگاه موسیقی است که سر یک چهار راه گذاشته باشند و هر کس که می‌رسد، در آن به یک شکلی می‌دمد یا به آهنگ و ریتمی می‌نوازد...»